

بررسی کاهش حوادث ترافیکی در کودکان از طریق آموزش و فرهنگ سازی

فهیمة فنادی¹، زهرا شکیبایی²

چکیده

حوادث با اختصاص بیش از 30 درصد موارد مرگ و میر بخود رایجترین علت مرگ در بین کودکان پس از یکسالگی است. به همین دلیل برای تأمین سلامتی کودکان، آموزش ایمنی راه ضرورتی انکار ناپذیر بوده و لازم است که کودکان نسبت به اصول ایمنی راه آگاهتر شده و متناسب با سن و نیازهایشان روشهای حفظ زندگی را فرا بگیرند. نکته حایز اهمیتی که وجود دارد اینکه آموزش باید از دوران کودکی و از طریق خانواده ها، آموزش و پرورش و..... صورت گیرد چرا که در این صورت اثرات مطلوب خود را در آینده نشان خواهد داد و از آنجا که کودکان آینده سازان فردای کشور و مهم ترین عامل ارتقای فرهنگی و اجتماعی محسوب می شوند لذا آموزش فرهنگ ترافیکی به آنان مثرتر خواهد بود.

آموزش مباحث ترافیکی یکی از مهم ترین مسائل در رفع صدمات ناشی از مشکلات ترافیکی است و تاثیرگذاری آن زمانی می تواند بهتر احساس شود که از روش های گوناگون آموزش های نظری و عملی از طریق نهادهای دخیل در این امر از قبیل: مدارس، خانواده، صدا و سیما، راهنمایی و رانندگی و... استفاده کرد.

از طرف دیگر با توجه به نقش عمده خطای انسانی در تصادفات جاده ای، آموزش ایمنی راه به کودکان باعث تقویت باورها، نگرشها و رفتارهای ایمن در آنها شده بنحوی که اثرات مثبت آن در آینده و در سنین جوانی و بزرگسالی ظاهر می شود.

بررسی های بعمل آمده گویای این حقیقت است که آموزش در تصحیح رفتار ترافیکی کودکان، ارتقای آگاهی های کودکان از خطرات احتمالی ناشی از تصادفات در عرصه ترافیک، تاثیر مستقیم و مثبتی دارد و براین اساس پیشنهاداتی را برای نهادینه کردن فرهنگ ترافیک در میان کودکان بیان کرده ایم.

کلید واژه ها: آموزش، کودکان، حوادث ترافیکی، فرهنگ سازی

1. کارشناسی ارشد مهندسی محیط زیست، کارشناس سلامت منطقه 7

2. کارشناسی مشاوره، کارشناس سلامت منطقه 7

ترافیک و مسأله حمل و نقل یکی از مهمترین فعالیتهای مدیریت شهری هر جامعه ای است، این مسأله در تمام جوامع شهری با زندگی شهروندان و زندگی روزمره آنان درهم آمیخته شده است. کثرت روز افزون حضور اتومبیل در جهان با بیش از 500 میلیون دستگاه، با کارکردهای پنهان و آشکار آن نظیر: گسترش تخلیفات ترافیکی، تصادفات منجر به مرگ و... از دیگر پیامدهای مهمی است که مسأله ترافیک برای جامعه شهری را بوجود آورده است؛ همچنین، نقض قوانین راهنمایی و رانندگی، عدم نهادینه نشدن الگوهای رفتاری و کرداری ترافیکی در بین شهروندان، عدم نظارت و کنترل اجتماعی ترافیکی، نبودن فرهنگ صحیح رانندگی و عابر پیاده، ضعف دستگاه های اجرایی و سیاسی برخورد کردن با این پیامد و... همگی نشانگر این است که مدیریت شهری و ترافیکی جامعه ایرانی را به فکر چاره جویی انداخته است. نتیجه این ضعف ها در سطح شهرها و جاده ها باعث شده که موجودی خیره کننده و هراس انگیز به نام وسایل نقلیه در کنار زندگی شهرنشینی روبه افزایش باشد، و نیازمندی به آموزش، فراگیری هنجارها، قواعد رفتاری- کرداری و همچنین ارتقای سطح فرهنگ ترافیک از سنین کودکی تا بزرگسالی امری ضروری به نظر می رسد. این آموزش و فرهنگ سازی بیشتر در جهت سازگاری انسان با محیط زندگی می باشد، هرچه که این آموزش و فرهنگ سازی هدفمند و مداوم، مستمر و بادوام باشد و از سال های اولیه شکل گیری شخصیت و پرورش آن در خانواده شروع شده باشد و در سال های بعد توسط نهادهای رسمی چون آموزش و پرورش، رسانه ها، گروه های همسال، مدرسه تقویت و تکمیل گردد، ما شاهد آن خواهیم بود که پیامد ترافیک در جامعه از سوی شهروندان رعایت شده و اصول فرهنگ ترافیک با رعایت قوانین آن به صورت روان در اذهان و کردار شهروندان نهادینه شده و این معضل مدیریت شهری به سمت کاهش پیامدهای آن سوق یافته است.

و از آنجائیکه سالانه ۱۸۶ هزار و ۳۰۰ کودک یعنی روزانه ۵۰۰ کودک بر اثر تصادف در جاده های دنیا جان خود را از دست می دهند. سوانح جاده ای یکی از چهار علل عمده مرگ و میر کودکان بالای پنج سال به شمار می رود. براساس آمار، ۹۵ درصد مرگ و میر کودکان در سوانح رانندگی در کشورهایی با درآمد پایین یا متوسط زندگی می کنند. گزارش های جهانی نشان می دهد کودکان در همه سنین در معرض خطر سانحه رانندگی در جاده قرار دارند.

بیان مسأله و علت انتخاب موضوع

در تمامی جوامع ، کودکان از آسیب پذیر ترین افراد در برابر حوادث هستند ، ارتقاء سلامت کودکان از مهم ترین شاخص های سطح سلامت یک جامعه بوده و پیشگیری از وقوع حادثه در کودکان ، مستلزم رعایت نکات ایمنی است . کودکان قادر به درک خطرات پیرامون خود نبوده و در برابر بسیاری از خطرها ، آسیب پذیری بیشتری دارند .

تصادفات جاده‌ای یکی از اصلی ترین عوامل مرگ و جراحت در میان کودکان کشورهای در حال توسعه است. در تحقیقات انجام شده ، مشخص شده است که یکی از دلایل وقوع این تصادفات برای کودکان، نبود اطلاعات و مهارت‌های لازم برای مقابله با ترافیک در میان آنان است . بهمین دلیل است که گنجاندن آموزش ایمنی ترافیک به عنوان بخشی از برنامه آموزشی مدارس ، یکی از موثرترین راه‌های فراهم آوردن چنین دانشی برای کودکان است و در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، آموزش نکات مربوط به ایمنی ترافیک ، یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها به شمار می آید. تحقیقات نشان داده‌اند که این موضوع در صورت همراه بودن با تمرین قوانین و مقررات ، بسیار موثر واقع خواهد شد. البته برای دستیابی به نتایج بهتر ، این برنامه باید با انجام سایر امورمربوط به ایمنی نظیر آموزش رانندگان ، ساخت محل‌های خاص عبور عابر پیاده و نظارت و کنترل رعایت رفتارهای ایمن در رانندگی ، مورد حمایت قرار گیرد.

آشنا ساختن و نهادینه کردن مباحث ترافیکی باید از دوران کودکی آغاز گردد، و با شیوه های مناسب، همراه با تغییرات شگرف و اثر گذار بر رفتار اجتماعی جامعه شهری باشد. اصلاح رفتاری و تغییر نگرشی فرهنگ روانسازی ترافیکی از طریق این دو بعد اجتماعی و فرهنگی در قالب نقش اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری قابل مطالعه است؛ جامعه پذیری و اصلاح فرهنگ ترافیک، به نوعی مدیریت کردن در جهت فرهنگ سازی رعایت قوانین ترافیکی است، که از سوی نهادهای ذیربط و متولیان امر ترافیک همراه با نظارت دقیق باید شکل گیرد. آموزش به عنوان رکن اساسی اصلاح فرهنگ ترافیک، نقش بارزی در تغییر نگرش و باورهای رفتاری ترافیک دارد. برای دست یافتن به این مهم، باید تغییرات و اصلاحاتی در زمینه نگرش و فرهنگ ترافیک ایجاد شود. آموزش در زندگی انسان منجر به تغییر در باورها و رفتارها شده است. در عصر حاضر یکی از اقدامات اصلی برای به سامان کردن معضلات ترافیکی تکیه بر محور آموزش و فرهنگ سازی است.

بدین ترتیب دستیابی به راهکارهای عملی برای کاهش تصادفات جاده ای و پیامدهای آنها بویژه در ارتباط با مرگها و جراحتهای کودکان بایستی مورد توجه جدی مسئولین، متخصصین و کارشناسان مربوطه قرار گیرد. از آنجائیکه بر اساس تجربیات سایر کشورها آموزش صحیح ایمنی راه برای کودکان در بسیاری از آنها با

موفقیت‌های چشمگیری همراه بوده است در این بخش ضمن مرور تجربه کشور آلمان به این بحث مهم پرداخته می شود.

مروری کوتاه بر تجربه کشور آلمان

در کشور آلمان با وجود افزایش سطح خدمات حمل و نقل و تعداد وسایط نقلیه، میزان تلفات از 19000 نفر در دهه 70 به 9000 نفر در سال 1995 کاهش یافته است و این امر ممکن نبوده است مگر با داشتن برنامه آموزشی مدون و جامع برای تمامی رده های سنی و بویژه کودکان. در حال حاضر در این کشور بیش از 155 مؤسسه، انجمن و مرکز مربوط به ترافیک وجود دارد که از بین آنها 30 مورد تنها به امر برنامه ریزی، تدوین منابع لازم و آموزش مشغولند. مراکز یاد شده با تدوین منابع و برنامه ریزی و با همکاری آموزش پرورش، شبکه های رادیو و تلویزیونی و مطبوعات توانسته اند مشکل ضعف آموزش در جامعه و توسعه فرهنگ صحیح ترافیکی را در کشورشان تا حد زیادی برطرف نمایند. آموزشهای مراکز یاد شده محدود به کودکان نشده بلکه با آموزش معلمان و والدین کودکان و همچنین با چاپ و نشر صدها کتاب و جزوه آنها را نیز با مسائل مربوط به ترافیک آشنا می سازند. در این روند آموزشی به کودکان و کودکانها توجه خاصی شده و آموزش در این مرحله زیربنای ایمنی ترافیک در سنین بالاتر محسوب می شود. کارشناسان ایمنی فعالیتهای روزمره کودکانها در رابطه با امور ایمنی جاده ای را به شکل زیر طبقه بندی می کنند:

* تمرین(بازی) موارد ضروری مرتبط با ایمنی، در این مرحله کودکان با موارد مهمی همچون رنگها، سمت و سوها و کارکرد آنها در ترافیک، پیش بینی انواع خطر و چگونگی مقابله با آنها آشنا می شوند.

* افزایش سطح آگاهی اجتماعی کودکان، در این مرحله از طریق بردن آنها به گردش دسته جمعی و تمرین موارد مرتبط با ایمنی در خیابانها، بر روی این نکته که در هنگام عبور از خیابان هماهنگی با خانواده و حرکت در کنار آنها ضروری است تأکید می شود. در این گام به کودک آموخته می شود که نقش او در خیابان چیست.

* نمایش فیلمهای آموزشی همراه با تمرین مطالب گفته شده، تمرینهای یاد شده در خیابان و با حضور پلیس راهنمایی و رانندگی صورت می گیرد و کودک بخشی از آموخته های خود را تجربه می کند.

* آگاه سازی کودکان از حوادث و تصادفات احتمالی در خیابانها، در این مرحله از کودک خواسته می شود که با نقاشی کردن یک صحنه تصادف، مسائل ایمنی را مد نظر داشته باشد.

لذا این تحقیق به منظورافزایش سطح ایمنی و کاهش خطرات ناشی ازحوادث ترافیکی از طریق آموزش و فرهنگ سازی در کودکان انجام گردیده است.

اهداف

هدف کلی:

کاهش حوادث ترافیکی در کودکان از طریق آموزش و فرهنگ سازی

اهداف جزئی:

کاهش میزان معلولیت و مرگ و میر ناشی از حوادث ترافیکی در کودکان

جلوگیری از اتلاف هزینه های جبران ناپذیر صدمات و حفظ جان کودکان

تعیین نقش آموزش و فرهنگ سازی در ارتقاء سطح ایمنی کودکان

تعیین نقش نهادهای سازمانهای دخیل در امر آموزش ایمنی به کودکان

روش کار

هر تحقیق، فرایندی علمی و هدفمند است که طی آن پژوهشگر تلاش می کند تا برای مساله پاسخی نظری پیدا کند و یا برای حل یک مشکل واقعی در عمل راهکارهایی را بیابد . لذا با توجه به اهمیت موضوع در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی، کتابخانه ای از نوع پیمایشی استفاده شده است. بررسی ها انجام شده و گزارش های ارائه شده توسط سازمانها و نهادهای مرتبط پیرامون نقش آموزش و فرهنگ سازی در کاهش حوادث و سوانح رانندگی در کودکان بازنگری شده است.

یافته ها

آموزش فرهنگ ترافیک از خردسالی، شاید از موضوعاتی باشد که کارشناسان ترافیکی بر آن اتفاق نظر دارند و در سمینارها و کنفرانس های مدیریت ترافیکی و حتی مباحث مهندسی ترافیکی به این مسأله تأکید فراوان کرده اند. باید توجه داشته باشیم که کیفیت آموزش ترافیک برای هریک از بازیگران ترافیکی، بر اساس سن و نقشی که در ترافیک ایفاء می کنند، متفاوت است. برای مثال آموزش کودکان عابر پیاده با آموزش بزرگسالان عابر تفاوت دارد، زیرا کودکان به دلایل جسمی و روانی که بعداً خواهد آمد، صدمات شدیدی می بینند و از این رو نیازمند آموزش های ویژه هستند. دوم اینکه آموزش فرهنگ ترافیک به کودکان که گاه از سوی پلیس، مدرسه و سایر گروه های اجتماعی تدارک دیده می شود، بدون هماهنگی و اتفاق نظر با خانواده، بی تأثیر نخواهد بود. سوم اینکه آموزش کودکان از طریق خانواده نباید همیشه به طور مستقیم باشد، چراکه آموزش های مستقیم همراه با کنترل، نظارت و سختگیری، به کاهش یادگیری می انجامد. خانواده در دوره پیش از پنج سالگی، باید ترکیبی از نقش های آموزشی، کنترلی و پشتیبانی را ایفاء کنند، تا کودک ضمن شناسایی محیط خود، راه های خویشتن داری و اجتماعی شدن را فرا گیرد. چهارم این که در آموزش فرهنگ ترافیک به فرزندان، همیشه لازم نیست که کودک تشویق یا تنبیه شود. گاه لازم است شرایطی فراهم شود که خود او در خصوص هنجارهای ترافیکی به تعمق و تفکر پردازد و اهمیت هریک از اجزای فرهنگ مذکور را در یابد. گاه باید در شرایطی قرار گیرد که خودش مسئولیت کارش را به عهده گیرد و در شرایطی که کسی بالای سرش نیست، خودش کار درست را جست و جو کند. گاهی لازم است، کودکان بدون تائید و تمجید یا تنبیه دیگران، خود وضعیت های رضایت بخش تجربه کنند، تا در آینده نیز بکوشد، آن گونه رفتار کنند که احساس رضایت بخش تری داشته باشد.

کارشناسان آموزش فرهنگ ترافیک بر این باورند که آموزش کودکان باید پنج ویژگی خاص داشته باشد که از آن به ((پنج پی)) (P5) یاد کرده اند: « 1- آموزش کودکان باید پیش از دوره دبستان باشد (Preschool) 2- کار در آموزش در این دوره به صورت تجربی باشد (Practical) 3- مطابق با اصول رشد کودکان باشد (Principle) 4- به صورت مکرر و مداوم باشد (Presented) 5- باید دارای جایگاه خاصی در مدرسه باشد. (Place) ». اصلاح روش های کاهش تصادفات و تبعات ترافیکی، اصلی ترین هدف آموزش فرهنگ ترافیک به کودکان است. سایر هدف ها عبارتند از: «الف: انتقال اطلاعات، ضوابط و مقررات عبور و مرور به عابران پیاده، سواره و سرنشینان. ب) آموزش و ترویج فرهنگ صحیح رانندگی. ج) تغییر در رفتارهای بازیگران ترافیکی. د) جامعه پذیر ساختن هنجارهای ترافیکی. ه) اصلاح و حذف باورهای غلط فرهنگی ترافیکی، مثلاً برای عابران که تصور می کنند، مسیری کوتاه تر ایمن تر است. و) آموزش مفاهیم ترافیکی به همه گروه های سنی و جنسی.»

بسیاری از کارشناسان ترافیکی، عابران پیاده، به ویژه کودکان را، عاملی مهم در ترافیک درون شهری و برون شهری دانسته اند. گزارش های ترافیکی بیانگر این است که در میان تمام سفرهای درون شهری، سفرهای عابرین پیاده، همیشه بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند، لذا به صورت منطقی، بایستی بیش تر سهم در آموزش فرهنگ ترافیک به این مسأله تعلق گیرد.

نهادهای دخیل در ارتقای سطح فرهنگ ترافیک

در راستای ارتقای سطح فرهنگ ترافیک در کودکان نهادهای ذیربط در امور ترافیکی و مدیریتی باید آموزش های لازم را ارائه دهند. از جمله نهادها و سازمان هایی که می توانند در ارتقای سطح فرهنگ ترافیک کودکان تأثیر داشته باشند، عبارتند از:

آموزش از طریق بعد اجتماعی (خانواده)

از نگاه دیگر از بعد اجتماعی آموزش، می توان به فعالیت های آموزش خانواده اشاره کرد. خانواده از طریق ارتباطات درون گروهی که بین اعضای خود دارد، می تواند مجری خوبی برای آموزش فرهنگ سازی ترافیک باشد. این مسأله بیشترین تأثیر را بر کودکان می گذارد. مادران می توانند نقش مهمی در مجریان این انتقال فرهنگی داشته باشند.

در این سنین، اساساً نحوه عبور از خیابان، سازگاری با محیط شهری و حتی اعتماد و عدم اعتماد به پلیس را از والدین می آموزند. آنها با قرار گرفتن در کنار والدین می آموزند که هنگام عبور از خیابان به چه مواردی توجه کنند، از چه کسانی کمک بخواهند، و اگر در حین بازی، گردش خرید و بازگشت از مدرسه راه را گم کردند، به چه کسی مراجعه کنند. گاه خانواده ها با آموزش غیر مستقیم، ناخواسته کودکان را از پلیس راهنمایی و رانندگی، به عنوان یکی از عناصر تأثیر گذار بر ترافیک، می ترساند. چنانکه برای ترساندن یا ساکت کردن کودک خود، او را از تحویل دادن به پلیس و تنبیه از سوی پلیس متوسل می شوند. به همین دلیل است که برخی از کودکان به هنگام کمک خواستن از پلیس دچار تعارض می شوند. کودک با قرار گرفتن در کنار خانواده و نیز گوش دادن به سخنان آن ها درخصوص عبور و مرور، با پدیده ها و مفاهیمی چون: خط کشی عابر پیاده، پلیس و چراغ راهنمایی، که هریک عامل مهمی برای عبور از عرض خیابان است، آشنا می شود. و برای عبور از خیابان از آن ها سود می برد. اگر اعضای خانواده هنگام عبور از عرض خیابان، به علائم راهنمایی و رانندگی توجه کرده و پس از سبز شدن چراغ عابر پیاده، از عرض خیابان عبور گذشته باشند، کودک احتمالاً به تقلید و همانند سازی از آن ها، به همین شیوه عمل خواهد کرد.

کودکان به عنوان سرنشینان هم در آموزش فرهنگ ترافیک از سوی خانواده نقش حائز اهمیتی دارد. کودک ممکن است، سرنشین اتومبیل شخصی، و یا سرنشین اتومبیل (اتوبوس، مینی بوس، و تاکسی) باشد. در هر دو شکل یاد شده، کودک نیازمند آموزش های خاص است.

خانواده هایی را که دارای اتومبیل شخصی هستند، باید توجه بیشتری به آموزش فرهنگ ترافیک داشته باشند. برای مثال، خانواده ها باید به کودک بیاموزند که هنگام سوار شدن و یا پیاده شدن از اتومبیل، چه مواردی را رعایت کند، درب اتومبیل را چه وقتی و چگونه باز کند، یا ببندد، در کدام قسمت اتومبیل (صندلی) بنشیند، به هیچ یک از وسایل داخل اتومبیل (دنده- ترمز دستی- سوئیچ- فرمان و...) دست نزند، هنگام حرکت اتومبیل، جلوی چشم راننده را نگیرند یا در بغل او ننشینند.

همچنین به نوجوانان نباید اجازه داد که به تنهایی اتومبیل را روشن و رانندگی کنند. خانواده هایی که کودکان خود را سوار بر اتومبیل های عمومی می کنند، باید به موارد دیگری چون، گرفتن میله های داخل اتوبوس، راه رفتن در داخل آن، و بیرون نبردن سر از پنجره ها توجه داشته باشند. خانواده ها باید موارد یاد شده را با استفاده از شیوه های آموزشی به کودکان بیاموزند. کودکان به دلایل پیش گفته شده، نقش اندکی به عنوان سواره در فرهنگ ترافیک بازی می کنند. دوچرخه سواری و گاه موتور سیکلت سواری از محدود مواردی است که آن ها بازیگر نقش سواره هستند. فصل تابستان و هنگام رفتن به مدرسه، مهم ترین اوقاتی هستند که کودک از دوچرخه یا موتور استفاده می کنند. بدین ترتیب آموزش فرهنگ دوچرخه سواری و موتور سواری به آن ها ضروری است.

همان گونه که مراقبت و تربیت کودک شدیداً به عناصر فرهنگی وابسته است، استفاده از وسایل نقلیه ای چون دوچرخه و موتور سیکلت از سوی کودک نیز مستلزم به کارگیری عناصر فرهنگی است و باید از سوی والدین به کودک آموزش داده شود.

والدین باید به کودک بیاموزد که کجا باید از دوچرخه استفاده کند، با چه کسانی دو چرخه سواری کند، چه موارد ایمنی را در در دوچرخه سواری رعایت کند و چه مدتی را به دوچرخه سواری و موتور سواری اختصاص دهد.

« در برخی از کشورهای جهان نظیر: هند، تایلند، چین و هلند که تعداد دوچرخه ها نه تنها از تعداد اتومبیل ها، بلکه گاه از جمعیت کشور هم بیشتر است و فرهنگ خاصی برای دو چرخه سواری وجود دارد. در این کشورها، ضمن آن که بسیاری از والدین در قالب تفریح، ورزش، و مسافرت در کنار فرزندان به دوچرخه سواری می پردازند، بلکه تعدادی از مسئولان سیاسی و اجتماعی درجه یک نیز برای تشویق افراد دوچرخه سواری می کنند.»

نقش آموزش و پرورش

مهمترین سازمان در تعلیم و ترویج فرهنگ ترافیک، آموزش و پرورش است. ایمنی راه بسیار مهمتر و پیچیده تر از آن است که با دادن چند پیام ساده آنهم چند بار در سال عملی گردد. تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که سخنرانیها و اطلاع رسانی موردی تا زمانی که بخشی از یک طرح ساختاری و برنامه ریزی شده آموزش ایمنی راه برای کودکان نباشد کارساز نخواهند بود. بنابر این لازم است که آموزش ایمنی راه در مدارس و بعنوان یکی از دروس اجباری آنها ارائه شود که این کار اساس و سنگ زیربنای آموزش ایمنی ترافیک در آینده خواهد بود در همین راستا محتوای برنامه درسی باید برای هر گروه سنی تعیین و با معیارهای آموزشی سازگار گردیده و علاوه بر آن نیازها و مسائل مربوط به تصادفات محلی نیز در نظر گرفته شود. در این برنامه ایمنی راه درست مانند مهارتهای خواندن و نوشتن، حساب کردن یا آموزش بهداشت، یک درس مستقل محسوب شده و محتوای درسی عمدتاً شامل آشنایی با وسیط نقلیه و ویژگیهای آنها، جاده، خیابان و علایم راهنمایی و رانندگی، مهارتهای تصمیم گیری، تشخیص و ارزیابی خطر و راههای کاهش این خطرات می باشد.

همچنین لازم است که با توجه به نتایج حاصل از تحلیل تصادفات جاده ای در کشور مطالب درسی بطور دوره ای مورد بازنگری قرار گرفته و در صورت نیاز اصلاح شوند .

در راستای آموزش فرهنگ ترافیک از طریق آموزش و پرورش می توان از شیوه های زیر بهره گرفت:

۱- استفاده از کتابها و جزوه های آموزشی متناسب با سن دانش آموزان

۲- بهره گیری از فیلم های آموزشی

۴- استفاده از کارشناسان مجرب راهنمایی و رانندگی برای تدریس و آموزش مسائل مربوط به حوزه حمل و نقل

۵- تشکیل دوره های آموزشی کوتاه مدت با همکاری کارشناسان راهنمایی و رانندگی به منظور آماده سازی مربیان پرورشی و سایر معلمان داوطلب و علاقه مند برای تدریس آموزش های ترافیکی به دانش آموزان.

۶- انجام برخی آموزش‌های عملی مانند آموزش چگونگی عبور از عرض خیابان با دقت به خط کشی عابر پیاده

...و



طرح پلیس مدرسه از دیگر طرح‌هایی است که از سال 1381 در راستای ارائه آموزش‌های لازم برای نسل جدید (کودکان و نوجوانان) با توجه به دستورالعمل وزارت کشور توسط این معاونت در مدارس ابتدایی و راهنمایی سطح شهر آغاز شد. این طرح با هدف ایجاد محیطی سالم و ایمن برای دانش‌آموزان در مدرسه و محیط پیرامون آن و به وجود آوردن روحیه انضباط فردی و اجتماعی آغاز شد. چراکه به نظر کارشناسان اگر برنامه ریزی صحیح تربیتی و آموزشی برای کودکان از همین سنین شروع و اجرا گردد، روحیه رعایت مقررات و احترام به قوانین و آماده شدن آنها برای زندگی در جامعه کنونی تقویت می‌شود. در این طرح، 9 تخلف حادثه‌ساز به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که عبارتند از سرعت غیرمجاز، سبقت غیرمجاز، حرکت مارپیچ، صحبت با تلفن همراه، صحبت با دیگران، رانندگی در زمان خستگی و خواب‌آلودگی، بستن کمربند ایمنی، خوردن مواد خوراکی و بی‌توجهی به تابلوها و چراغ‌های ایمنی. دانش‌آموزان آموزش‌دیده موظف می‌شدند در صورت مشاهده تخلف در خودرویی که سرنشین آن هستند، مورد تخلف را به راننده تذکر بدهند و در صورت لزوم آن را گزارش نمایند.



بررسیها نشان می دهند که مؤثرترین روش برای افزایش مهارتها و قدرت تصمیم گیری کودکان در سنین پائین آموزش بصورت عملی است ضمن آنکه بدین ترتیب آنها بصورت ایمن و کنترل شده با شرایط واقعی ترافیک روبرو می شوند از اینرو اجرای پارک آموزشی سیار ترافیک برای کودکان و نوجوانان در کنار دوستان و معلمان خود در محیط مدرسه در مقایسه با آنچه همراه خانوادهها در قالب تماشای نمایش یا برنامههای تلویزیونی نسبت به یادگیری مقررات، واکنش نشان می دهند، برخوردی متفاوت است و بی شک تأثیر متفاوت چنین طرحهایی در فرآیند آموزش، دارای بازتاب مؤثرتری نیز خواهد بود.



نقش رسانهها

رسانههای جمعی هم با توجه به نقش خاصی که در بهبود فرهنگ ترافیک دارند، بیشتر باید به تغییر نگرش رفتار ترافیکی شهروندان بپردازند و بتوانند در جهت تقویت فرهنگ صحیح از طریق ساخت برنامههای جذاب و متنوع همراه با پیامهای فرهنگی و اجتماعی متناسب با آن به امر متقاعد سازی بپردازند و به سمت اصلاح رفتار و انجام رعایت فرهنگ ترافیکی شهروندان حرکت کنند. در واقع رسانه‌های همگانی به عنوان ابزاری مؤثر در انجماد زدایی فرهنگ غلط رفتار ترافیکی، جایگزینی و اصلاح رفتار مناسب و جلوگیری از بروز مجدد انجماد زدایی رفتار غلط از طریق تبلیغات، ساخت برنامه‌های انیمیشنی، طنز پردازی، مقالات و مصاحبه‌های گوناگون و سایر روشها تأثیر بسیاری بر رفتار کودکان و خانوادهها در زمینه کنترل ترافیک می‌گذارند که می‌توان با استفاده از آن خطای انسانی که نقش بزرگی در تصادفات جاده‌ای دارد را در آینده با ارتقای فرهنگ ترافیک کودکان و آموزش صحیح آنها کاهش داد.

بحث و نتیجه گیری

تجربیات تلخ تصادفات جاده ای در چند سال گذشته و تحلیل آمار تصادفات جاده ای در سطح ملی نشان می دهد که کشور برای کنترل و کاهش میزان مرگ و میرها و جراحات ناشی از تصادفات جاده ای با مشکلات زیادی مواجه می باشد و طبیعی است که در این بین یکی از قشرهای آسیب پذیر کودکان می باشند که بدلیل پائین بودن سرعت درک و انتقال خطر و فرار از آن همواره در معرض پیامدهای ناشی از تصادفات جاده ای می باشند. آموزش ایمنی راه برای کودکان علاوه بر کاهش تعداد و اثرات زیانبار تصادفات در بین آنها، اثرات مثبت دیگر خود را در دراز مدت نیز پدیدار خواهد ساخت بدین ترتیب که با تغییر و اصلاح باورها، ارزشها و نگرشهای کودکان در آینده آنها بعنوان افراد بزرگسال و سهامدار در اداره کشور رفتارهای ایمنتر و سالمتری از خود نشان داده و بدین ترتیب بطور غیر مستقیم فرهنگ ایمنی نیز بطور محسوس در کشور ارتقاء می یابد و این کمال مطلوب برای رسیدن به توسعه پایدار با تکیه بر سرمایه های انسانی است. با این توصیف اهداف آموزش ایمنی راه با اجرای مراحل زیر در کشور تأمین خواهد شد:

- بررسی وضعیت موجود از نظر هرم سنی افراد جامعه، شرایط راههای شهری و بین شهری و تحلیل آمار تصادفات جاده ای برای تعیین اولویتهای آموزشی با توجه به امکانات کشور.

- ارائه برنامه های اصلاحی فوری و کوتاه مدت برای مواجهه با مشکلات جدی در شرایط فعلی، برای مثال در صورتیکه نیروهای پلیس یا کارشناسان ایمنی راه برنامه سخنرانی در مدارس کشور اجراء می کنند کارآیی آنها را می توان از طریق اصلاح و تهیه چهارچوبی برای تشویق جهت پیگیری مطالب گفته شده افزایش داد، همچنین باید از تجربیات عملی ایمنی راه در خارج از مدرسه نیز حداکثر استفاده را برد.

- در آموزش فرهنگ ترافیک برای کودکان باید یکسری از برنامه ریزی ها را مورد توجه قرار داد. اول اینکه با این دید نگرین شده شود که آموزش فرهنگ ترافیک برای فردای کودکان و قانون مندی آنان پایه ریزی می شود و قرار است این فرهنگ سازی از طریق کودکان در آینده به کار بسته شود. دوم: آموزش فرهنگ ترافیک به کودکان به صورت منسجم دنبال شود و نیاز به برنامه ریزی طولانی مدت دارد. سوم: با آموزش فرهنگ ترافیک، به صورت کاملاً علمی برخورد شود و از تمام رسانه ها و وسایل ارتباطی برای ارتقای فرهنگ ترافیک استفاده شود.

- باید فرهنگ ترافیک را همانند سایر عناصر فرهنگی برای کودک و نوجوان خود تشریح کنیم تا آن جا که درک درستی از وضع قوانین و مقررات ترافیکی در اذهان آنها شکل گیرد.

- از طریق برقراری ارتباط نزدیک و صمیمانه با فرزندان، اعتماد آنان را برای درونی کردن عناصر فرهنگ ترافیک جلب کنیم.

- لااقل برای خود روشن سازیم که چه روش هایی برای آموزش فرهنگ ترافیک وجود دارد و در شرایط فعلی، کدام روش کارکرد بیشتری در درونی کردن و نهادینه نمودن رعایت قوانین و هنجارهای ترافیکی را در اذهان کودکانمان دارد.

- در آموزش فرهنگ ترافیک باید به فرزندمان، به جای تشویق و تنبیه بی مورد و نیز آموزش مستقیم، در آنها انگیزه برای یادگیری فرهنگ و کردار ترافیکی ایجاد کنیم.

- به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی، در حضور فرزندان و حتی هنگام حضور نداشتن آن ها، قوانین و مقررات ترافیکی و همچنین هنجارهایی را که خود به فرزندان آموزش داده ایم زیر پانگذاریم.

- آموزش ایمنی راه برای جامعه از طریق رسانه های گروهی. آموزشهای یاد شده بایستی در مناطقی که تلفات ناشی از تصادفات جاده ای بالا است در اولویت قرار گیرد. برای مثال بدلیل اینکه احتمال وقوع تصادفات در روستاهای که در مجاورت راههای بازسازی شده قرار دارند بالاست لازم است که کودکان این مناطق و والدین آنها در باره سرعت وسایط نقلیه و مدت انتظار، حجم ترافیک و خطرات احتمالی آموزش ببینند. در این روند آموزشی باید تا حد امکان از تخصصها، منابع و امکانات بومی استفاده نمود.

- تهیه کتابچه راهنمای معلمان و وسایل کمک آموزشی لازم، نوع و میزان وسایل کمک آموزش بایستی متناسب با شرایط محلی و خصوصیات تصادفات جاده ای باشد، لازم است که متناسب بودن وسایل کمک آموزشی قبل از تهیه در مقدار فراوان و یا تولید آنها مورد بررسی قرار گرفته و تأیید گردد.

- آموزش در ارتقاء فرهنگ ترافیک وسیله ای برای رشد و تقویت نهادینه کردن و احترام گذاشتن به قوانین راهنمایی و رانندگی است؛ این فرایند در عرصه زندگی شهری باید با راهکارها و استراتژیهای کوتاه و بلند مدت همراه باشد.

- باید سعی کرد آموزش عملی و رسمی که در جامعه وجود دارد را با موضوعاتی چون حمل و نقل شهری، ترافیک و عبور و مرور و... ترکیب کرد؛ تا اطمینان یابیم که شهروندان با اصلاح رفتاری خود و نهادینه کردن این آموزش ها می توانند به توسعه فرهنگ عمومی جامعه کمک نمایند؛ برای رسیدن به چنین فرایندهایی در بحث آموزش ترافیک باید اشاره به یکسری از نهادهای کنیم، که نقش موثر در نهادینه کردن و بهینه سازی فرهنگ ترافیک دارند.

- مدیریت سازمانهایی چون آموزش و پرورش که در واقع همان نهادهای اصلی تعلیم و تربیت می باشند؛ با استفاده از ابزارهایی چون فضاهای آموزشی، معلمان و اساتید و محتوای کتب درسی، می توانند نقش موثری در جهت تقویت فرهنگ سازی ترافیکی ایفا کنند و گام بزرگی در مدیریت فرهنگی ترافیک بردارند.

راهکارها و پیشنهادات

از آنجایی که هدف این مطالعه کاهش آمار تصادفات و هزینه‌ی تصادفات در سطح معابر شهری، با استفاده از آموزش و فرهنگ‌سازی ترافیکی بر اساس تحلیل آمار تصادفات می‌باشد، از اینرو چارچوب پیشنهادی جهت انتخاب مناسب‌ترین راهکار فرهنگی - آموزشی به این صورت می‌باشد:

- استفاده از علائم ترافیکی جدید با روش‌های نمایشی مناسب‌تر برای جلب توجه بیشتر.
- به روزرسانی سرفصل‌های آموزشی در پارک‌های آموزش ترافیک.
- تهیه و تدوین برنامه آموزشی و محتوای درس ایمنی راه در مدارس، در این رابطه باید خط مشی آموزش ایمنی راه برای هر رده سنی و در مناطق مختلف کشور توسط کارشناسان و متخصصین تهیه شده و به تائید وزارت آموزش و پرورش برسد علاوه بر این لازم است که مسئولیتها و وظایف هر مجموعه در زمینه آموزش ایمنی راه در مدارس تعریف و مشخص شود.



- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در سطح شهر و استفاده از نیروهای مجرب دانشگاهی برای آموزش به کودکان با استفاده از هنر و خلاقیت و زبان قابل لمس برای کودکان.
- تهیه و تدوین بازی‌ها و فیلم‌های آموزشی در ارتباط با فرهنگ ترافیک و نمایش آن در مدارس.
- گنجانیدن واحد درسی کاربردی به عنوان "نقش ترافیک و پیامدهای آن در زندگی روزمره" در کتاب‌های درسی.
- استفاده از ظرفیت‌های تبلیغات تلویزیونی و برنامه‌های ویژه برای کودکان.
- تجزیه و تحلیل علمی، روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی حوادث و پیامدهای ترافیکی کودکان توسط کارشناسان واجد شرایط از طریق برنامه‌های صدا و سیما.
- ایجاد بیشتر شهرک ترافیک و آموزش‌های لازم آن در سطح شهر و فضاهای عمومی شهر
- سخنرانی افراد آسیب دیده از این سوانح در مدارس

• آموزش معلمان، لازم است که دروس ایمنی راه در آموزشهای بلند مدت معلمان در آموزشکده ها، دانشکده ها، مراکز تربیت معلم و همچنین در دوره های آموزش ضمن خدمت گنجانیده شود. مباحث آموزش ایمنی راه برای معلمان می تواند شامل توانائیهای کودکان در سنین مختلف، مشکلات رفتاری آنها در خیابان و جاده، ارتباط بین مسائل ایمنی راه با سایر مباحث آموزشی در مدارس و آشنایی با وسایل کمک آموزشی باشد.

• استفاده از آموزش به روش کودک به کودک

• استفاده بیشتر و بهتر از پلیس مدرسه

• در برخی کشورها با خلق یک شخصیت کارتونی منحصر بفرد بنام "تکاور راه" یا اسامی دیگر مطالب آموزش ایمنی راه از زبان این شخصیت بیان می شود، این شخصیت کارتونی را می توان با "بابا برقی" در داخل کشور مقایسه کرد که با استقبال زیاد مردم بویژه کودکان مواجه شده است.

• آموزش والدین، این کار از طریق رسانه های گروهی، جلسات انجمن اولیا و مربیان، گردهمائیهای محلی، انتشار کتب و جزوات آموزشی و سایر آموزشهای غیر رسمی صورت می گیرد. والدین بایستی در مورد نحوه برخورد با کودکان در خانه، مسائل رفتاری کودکان و تربیت صحیح آنها با تأکید بر ایمنی راه آموزش ببینند.

• آموزشهای ایمنی ترافیک باید از طریق برنامه های ملی که در سطح محلی به اجرا در می آیند، به بهترین شکل ارتقا یابند. عناصر اصلی این برنامه ها عبارتند از:

- تشکیل یک شورا (کمیسیون) هماهنگ کننده متشکل از پلیس، بخش های خدمات درمانی و نهادهای سیاست گذاری در حمل و نقل و مسائل ترافیکی که مسئولیت بهبود و توسعه این برنامه و نظارت بر اجرای آن، را برعهده خواهد داشت.

- طراحی یک برنامه اجرایی بلند مدت برای آموزش مسئولان آموزش و پرورش، مربیان مهد کودک ها و آموزگاران، افراد پلیس، کارکنان بخش امداد و درمان، والدین و فعالان اجتماعی.

- ایجاد پشتیبانی و حمایت فرهنگی و اجرائی کاملاً آگاهانه برای تقویت این برنامه.

- فراهم سازی برنامه ای برای بهبود وضعیت روان شناسی کودکان که می تواند در سیستم آموزش رسمی مدرسه قرار بگیرد.

منابع:

- نوروزی نیما ، (1392) ، «روشهای فرهنگ سازی و آموزش ترافیک به کودکان» ، (دانشجوی راهور دانشگاه علوم انتظامی امین تهران) .قابل دسترس در www.ettellaat.com
- محمد فام ایرج ، (1384) ، «ضرورت آموزش ایمنی راه برای کودکان» . قابل دسترس در <http://mohammadfam.Persianblog.ir>
- زهرا محمدی پیکر، (1390) ، «آموزش ایمنی ترافیک به کودکان» ، رییس هیئت مدیره انجمن حامیان سفر ایمن
- عبدالرحمانی رضا، (1384) ، « نقش خانواده در آموزش فرهنگ ترافیک به فرزندان» ، نشریه آموزش علوم اجتماعی، شماره 4، دوره هشتم، تهران: قابل دسترس در www.noormags.com
- رفیع پور فرامرزی، (1378) ، « آناتومی جامعه» ، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شربتیان محمد حسن ، (1387) ، «نقش خانواده در آموزش فرهنگ ترافیک به فرزندان» ، عضویت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور خراسان جنوبی. قابل دسترس در <http://anthropology.ir>